



روزی که تبریز غرق در خون بود/ ۲۹ بهمن آغازی بر فرجام رژیم ستمشاهی

تاریخ آذربایجان سراسر سلحشوری است، تاریخی که با تأمل در لحظه به لحظه آن، متوجه حضور مردمانی می‌شویم که تن به ذلت نداده و برای رهایی از چنگ خفت، بی‌باکانه دل به دریای نبرد زده‌اند.

تاریخ آذربایجان سراسر سلحشوری است، تاریخی که با تأمل در لحظه به لحظه آن، متوجه حضور مردمانی می‌شویم که تن به ذلت نداده و برای رهایی از چنگ خفت، بی‌باکانه دل به دریای نبرد زده‌اند. خبرگزاری مهر، مهیار فاضل؛ قیام خونین بیست و نهم بهمن ماه سال ۱۳۵۶ برگه زرینی است در دفتر تاریخ دیار آذربایجان و شهر تبریز، برگه‌ای از جنس آزادگی که آتش به خاکستر نشسته انقلاب را، بار دیگر در تنه رژیم طاغوت شعله‌ور کرد و سرآغازی بر پایان سلطه رژیم ستمشاهی شد.

تبریز نخستین پایتخت تشیع در ایران است، گلدسته‌های مسجد قزلی (میرزا آقا یوسف مجتهد)، نیک به یاد دارند روزی را که مأمورین بی‌رحم حکومتی، درب خانه خدا را به روی مردم تبریزی بسته بودند، هنوز هم صدای پاسخ‌گوینده ستارخان، سردار ملی، به کنسول روس در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر طنین‌انداز می‌شود: «من می‌روم! خواهی هفت دولت زیر بیرق حضرت ابوالفضل (ع) و دولت ایران باشند تو می‌خواهی من زیر پرچم روس بروم؟!» سالهاست محله خیابان، به پروراندن باقر خان، سالار ملی، فخر می‌فروشد.

آغازی بر پایان

چهل روز از قیام خونین ۱۹ دی مردم قم می‌گذشت. قلب‌های مردم غیور خطه آذربایجان آکنده از غم و اندوه جانکاه از دست دادن هموطنان خود که در اعتراض به درج مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات و اساعه ادب به ساحت مقدس رهبر نهضت اسلامی به پا خواسته بودند، بود.

یوسف فردهاشم، از حماسه‌آفرینان ۲۹ بهمن، در گفتگو با [خبرنگار مهر](#)، در این باره بیان کرد: در طول چهل روز، فعالیت‌های انقلابی شدت بیشتری یافته بود، شعار نویسی بر روی دیوارهای شهر وسعت بیشتری یافته بود، به طوری که مأمورین حکومتی قادر به از بین بردن نصف این شعارهای تند انقلابی هم نمی‌شدند.

وی افزود: نوارهای سخنرانی امام خمینی (ره) و دیگر روحانیون مبارز شهر تبریز در میان مردم دست به دست می‌شد. از هفته پیش سخنرانی‌های متعددی در مساجد شهر تبریز، تحت عنوان دعوت مردم به مبارزه در اربعین این شهداء، در حال برپایی بود، از چند روز قبل هم اعلامیه‌های متعددی از سوی روحانیون مبارز صادر می‌شد.

تبریز خود را برای روز موعود آماده می‌ساخت، همه می‌دانستند که نباید در انتظار برگزاری یک مجلس ترحیم ساده باشند، ساواک از دو روز قبل اخطار امکان بروز تظاهرات شدید از سوی دانشجویان در سطح شهر و دانشگاه تبریز، را به شهربانی داده بود.

بامداد شنبه، ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۶

خورشید شنبه تازه طلوع کرده بود، تبریزی‌ها که خونخواه شهداء قیام خونین مردم قم بودند، از همان ساعات اولیه صبح راهی بازار تبریز و محل تجمع معترضین می‌شدند، دانشجویان که نقش اصلی را در قیام ۲۹ بهمن ایفا می‌کردند، کلاس‌های خود را تعطیل کرده و به خیل ۲۰ هزار نفری تاریخ‌سازان حماسه ۲۹ بهمن ماه می‌پیوستند، اصناف و کسبه نیز با تعطیلی مغازه‌های خود به طرف محل تجمع در حرکت بودند.

فردهاشم در این باره ابراز کرد: با عنایت به اعلامیه روز جمعه آیت‌الله قاضی، خیل عظیمی از مردم غیور آذربایجان از همان ساعات اولیه صبح راهی مسجد قزلی شده بودند.

مرد ۷۲ ساله تبریزی ادامه داد: اما آنچه مردم را شگفت زده می‌کرد، تردد مأمورین حکومتی و درهای بسته مسجد قزلی بود. سرگرد حق شناس، رئیس وقت کلانتری ناحیه شش تبریز، و مأمورانش سعی داشتند با لحنی خشن و دور از ادب مردم را متفرق سازند.

وی افزود: سرگرد حق شناس، که بویی از حق شناسی به مشامش نرسیده بود، در حضور جمعیت چند هزار نفری بار دیگر حقانیت قیام ۲۹ بهمن را با توهین به مقدسات ایرانیان به اثبات رساند: «مگر نگفتم در این طویله را ببندید؟!»، با تمام شدن جمله حق شناس خون مردم به جوش آمد، جوانی از میان مردم، تکه‌ای آجر به سوی سرگرد خونخوار طاغوتی‌ها پرتاب کرد، بعدها معلوم شد که نام آن جوان، «محمد تجلا» بود، جوان ۲۲ ساله اردبیلی که در دانشگاه تبریز و در رشته مهندسی مشغول به تحصیل بود، جوانی که بر اثر اصابت گلوله اسلحه کمری سرگرد حق شناس، اولین شهید قیام ۲۹ بهمن نام گرفت.

نخستین بار چه کسی گفت «مرگ بر شاه»

غیور مردان تبریزی جنازه غرق در خون قهرمان خود را، بر شانه خود می‌گیرند، و به طرف خیابان‌های شهر حرکت می‌کنند، دارایی اولین مقصد آنها بود. قیام تاریخی ۲۹ بهمن شروع می‌شود، مردم با شعارهای «الله اکبر، خمینی رهبر»، «کشتند جوانان وطن، الله اکبر» و... در حرکت‌اند، همین جاست که شعار تاریخی «مرگ بر شاه» برای اولین بار از

سوی قهرمانان تبریزی در شهر اولین ها طنین انداز می شود. رفته رفته، پای شعار های تند انقلابی به میان می آید: «وای بر این حکومت یزیدی» خبر قیام به گوش سردمداران ظالم و سرسپرده وقت می رسد، دستور سرکوب شدید معترضان ضمن حفاظت از کارخانجات، اداره های دولتی و پمپ بنزین ها را صادر می کند.

تبریز یا میدان جنگ

به تصمیم شورای امنیتی آذربایجان شرقی، نیروهای ارتش و ژاندارمری وارد میدان نبرد می شوند، استقرار ۲ دستگاه تانک چیفتن، ۲ دستگاه نفربر و یک دستگاه تانک اسکورپین در سطح شهر اولین اقدام نیروهای رژیم ستمشاهی است، مردم غیور باکی از ماشین های پیشرفته شاه ملعون ندارند، در این فاصله استاندار وقت آذربایجان شرقی طی تماسی به آیت الله قاضی اعلام می کند که مراسم اربعین شهدا قیام قم به شرط متفرق شدن مردم، بعد از ظهر همان روز برگزار خواهد شد. دسته های دیگری از سایر نقاط شهر در حرکت به سمت مرکز شهر هستند.

ساعت سه بعد از ظهر همان روز

شهر در کنترل کامل غیور مردان آذربایجانی است، ساختمان های دولتی در آتش می سوزند، سینما ها، مشروب فروشی ها، کاخ جوانان و ساختمان حزب رستاخیز در هم کوبیده شده اند، دیگر هیچ چیز جلودار خشم تبریزی ها نیست، فریاد های قیام کنندگان گوش سردمداران پهلوی را کر می کند و خون شهداء قیام سیلی می شود و دودمان پهلوی را با خود می برد، قهرمانان تبریزی مجسمه شاه را سنگسار می کنند. نیم ساعتی از اعلام حکومت نظامی از سوی ارتش می گذرد، ولی با این حال تبریزی ها تا ساعاتی از شب مقاومت می کنند.

زلفعلی نن، اروجعلی/ هاردان اولدی خارجه لی؟! /تبریز لی اؤزودور، اؤزی/ بهمنین بیرمی دوققوزی

شاه خائن برای اینکه پای خود را از جنایت عظیم قیام ۲۹ بهمن کنار بکشد خیلی سریع فرمان مجازات مأمورین خاطی جنایت نفرت انگیز قیام ۲۹ بهمن را صادر می کند و استاندار آذربایجان شرقی، اسکندر آزموده، را از مسئولیت خود عزل می کند، و هیئتی را با سرپرستی ارتشبد شفقت (آجودان شاه) روانه تبریز می کند. دولت وقت و رسانه های تابع آن قیام به حق مردم تبریز را برخاسته از توطئه های بیگانگان می دانند. ، شخص شاه خائن نیز چند روز بعد در مصاحبه خود با خبرنگار بی بی سی به سوال وی در خصوص قیام ۲۹ بهمن اینگونه پاسخ داد: «شورش های قم و تبریز نتیجه اتحاد نامقدس بین کمونیست ها و اشخاص بسیار مرتجع است. » همین تحلیل از طرف رسانه های حکومتی نیز صورت گرفت، تبریزی ها نیز این تحلیل سردمداران حکومت طاغوت و رسانه های آنها را به تمسخر گرفتند و ابیات زیر را در وصف این موضوع سرودند: "زلفعلی نن، اروجعلی/ هاردان اولدی خارجه لی؟! /تبریز لی اؤزودور، اؤزی/ بهمنین بیرمی دوققوزی"

وقتی یک قیام سرنوشت یک ملت را بیمه می کند

اما آنچه در خصوص قیام ۲۹ بهمن حائز اهمیت والایی است، نقش این قیام در پیروزی انقلاب اسلامی است، ناصر پورزارعیان، جامع شناس مطرح تبریزی، در گفتگو با [خبرنگار مهر](#)، در این خصوص بیان کرد: قیام ۲۹ بهمن تبریز با در هم شکستن ابهت حکومت پهلوی و جرات بخشی به نیرو های انقلابی، نیروی محرکه ای بر فعالیت آنها شد و در واقع پیروزی انقلاب اسلامی را بیمه کرد.

وی افزود: سردمداران حکومت پهلوی و رسانه های وابسته به آنها علی رغم نسبت دادن قیام مردم تبریز به کمونیست ها، نتوانستند این قیام و اثرات آن را سرکوب کنند.

پورزارعیان تصریح کرد: شاه خائن آنقدر خود را قدرتمند می دید، که به قیام ۲۹ بهمن به عنوان یک حرکت حقیر نگاه می کرد، و همین موضع گیری جاهلانه و تحلیل های اشتباه او بود که زمینه ساز تسریع پیروزی انقلاب اسلامی شد. جامع شناس میانسال تبریزی در خصوص علت تداوم قیام پس از اعلام حکومت نظامی ابراز کرد: زمینه های ذهنی منفی عامه مردم در خصوص رژیم پهلوی و آگاهی مبارزین سیاسی بستر را برای این قیام و اعتراض های نظیر آن، آماده می کرد. علاوه بر این فرهنگ تحمیلی از سوی رژیم ستمشاهی با فرهنگ عامه پسند ایرانیان ناسازگاری داشت، به طوری که سردمداران پهلوی سعی در تحمیل فرهنگ غرب زده خود به جای فرهنگ سنتی ایرانی-اسلامی مردم داشتند، به طوری که بسیاری از اماکن پر تردد آن زمان مثل سینما ها با فرهنگ ایرانی-اسلامی مردم در تضاد بودند.

تبریزی ها کاری کردند کارستان

قیام ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۶، که در آن ۱۳ نفر، و در برخی منابع بیش از ۷۰ نفر شهید، ۱۱۸ نفر زخمی و ۵۸۱ نفر بازداشت شدند، لرزه ای شد بر تنه رژیم ستمشاهی و آغازی شد بر پایان سلطه ضحاک زمان، تبریزی ها با قیام خونین شان توانستند ابهت یک رژیم نیم قرنه را در یک نصف روز بشکنند، تأثیر این قیام در مردم ایران و جهان به گونه ای گسترده بود که در اربعین این قیام تظاهراتی در ۵۶ شهر بزرگ و کوچک برگزار شد و این سنت مراسم اربعین ادامه یافت تا به بهار مردم ایران در دل زمستان سال ۱۳۵۷ رسید.